

## نقش فقه در روش‌های تربیت

□ سید سخی داد موسوی \*

### چکیده

نیاز به تربیت به معنای فرایندی که نتیجه آن تأثیرگذاری و ایجاد تغییر مثبت در متربیان است، با توجه به انحرافات و کاستی‌های تربیتی در بینش و رفتار افراد جامعه بخصوص کودکان، نوجوانان و جوانان، یک نیاز واقعی است. از این رو، نتایج پژوهش‌ها در باب تربیت برای تحقق اهداف مطلوب تربیتی باید بصورت عینی قابل اجرا و پیاده سازی باشند. با این فرض که رسالت فقه کشف احکام است، شاید پنداشته شود که بیان حکم به تنهایی چالش‌های عرصه تربیت را حل نمی‌کند، چون مشکل در ندانستن حکم نیست، بلکه در سازوکارهای دیگر از جمله بکار نداشتن روشهای مطلوب یا بکارگیری شیوه‌های نامطلوب است. بنابراین، پرسش مهم این است که نقش فقه در روش‌های تربیت چیست؟ این پژوهش، مسأله مطرح شده را با مراجعه به مستندات و داده‌های فقهی به روش تحلیلی و استنباطی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که فقه تربیتی پس از بررسی دقیق روش‌های مختلف، احکام فقهی آنها را بیان می‌کند. علاوه بر آن، با تحلیل برخی آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های فقیهان در ابواب و مسائل گوناگون، روشهای تازه‌ای را ارائه می‌نماید. از آنجا که روش‌های تربیت در فقه فراگیر اند و احکام فقهی در موارد الزامی تخلف ناپذیرند و مکلفان رعایت آنها را بر خود لازم می‌دانند، برجسته‌ترین نقش فقه، اسلامی سازی تربیت از جمله در روشهای آن است.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، فقه تربیتی، اسلامی سازی تربیت، حکم شرعی، روشهای تربیتی.

## مقدمه

تحقق اهداف تربیت مستلزم بهره‌گیری از روشهای مؤثر و کارآمد است. روشهای تجربی که اندیشمندان علوم تربیتی توصیه می‌کنند، از یکسو الزام آور نیستند، چرا که مریبان خود را در بکار بستن آنها ملزم نمی‌دانند. از سوی دیگر اغلب آن روشها ناظر بر رفتارهای فردی یا اجتماعی افراد است و مسائل دینی مورد غفلت واقع می‌شوند.

از طرف دیگر شاید تصور این باشد که رسالت فقه استخراج احکام شرعی است، نه ارائه روش؛ اما بیان حکم به تنهایی مشکل را حل نمی‌کند، زیرا فرض این است که اساساً دانستن یا ندانستن احکام روشهای تربیت چالش اصلی در فرایند تربیت نیست، بلکه مشکل در این است که مریبان یا با روشهای تربیت آشنایی ندارند و یا آنها را بدرستی اجرا نمی‌کنند. بدین جهت این پرسش مطرح می‌شود که نقش فقه در روشهای تربیت چیست؟ پاسخگویی به این مسأله مستلزم بررسی روشهای تربیت با رویکرد فقهی است. در مباحث سنتی فقه مباحث مربوط به تربیت در بابی معین تحت عنوان باب التربیه یا فقه التربیه مطرح نشده که از این لحاظ می‌توان گفت پیشینه‌ای برای آن وجود ندارد. با این حال خمیر مایه‌ی مسائل تربیتی از جمله مباحث مربوط به روشهای تربیت که اکنون به عنوان باب جدید در عداد دیگر ابواب فقه تحت عنوان فقه تربیتی در حال شکل‌گیری است، بصورت پراکنده در ضمن ابواب و مباحث گوناگون فقهی وجود دارد.

با توجه به کاستی‌های موجود، پژوهش حاضر نقش فقه در روشهای تربیت را به روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرارداد است. روشهای تربیت، چون از افعال اختیاری انسان به شمار می‌روند، از جهت تعیین حکم شرعی و همچنین کم و کیف بکارگیری آنها نیاز به تحلیل فقهی دارند. دانش فقه با بررسی دقیق روشهای تربیت، نوع حکم آنها را تعیین می‌کند. در صورتی که از نظر شرعی الزامی بودن یک روش اثبات شود مربی باید به آن عمل کند، زیرا احکام الزامی در تمام موارد آن از جمله در روشهای تربیت تخلف ناپذیر اند. بنابراین، یکی از نقش‌های فقه در روشهای تربیت الزام بخشی است. در نتیجه این چالش که بسیاری از مریبان با وجود آگاهی و دانستن روشهای تربیت عامدانه از آن تخلف می‌ورزند، تا حدی حل می‌شود.

علاوه بر آن، فقه تربیتی براساس مستندات، شیوه‌های تربیتی جدیدی را کشف می‌کند که به لحاظ جامعیت همه مسائل فردی، اجتماعی، دینی و ... را در بر می‌گیرند. با توجه به این دو کارکرد، مهم‌ترین نقش فقه را می‌توان اسلامی سازی تربیت از جمله در روشهای آن دانست. لذا، اطمینان حاصل خواهد شد که تلاشهای مریبان و عوامل تربیتی در بکارگیری روشهای صحیح تربیت، نتایج و ثمرات مطلوبی بهمراه خواهند داشت.

## مفهوم شناسی

### ۱. نقش

"نقش" از لظرف لغوی به معنای صورت، تصویر، رسم، شکل و ... است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۲۶۶۲)؛ و در اصطلاح جامعه‌شناسی "بیانگر نحوه رفتار فرد با توجه به جایگاه اجتماعی اوست. به نظر والتر کورتو نقش معرف رفتاری است که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). از دیدگاه بروس کوئن نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند (همو، ۱۳۸۷: ۸۰).

### ۲. فقه

فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن (جوهری، ۱۴۱۰: ۲۲۴۳/۶)، فهم عمیق و دقیق، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۲)، علم دین (فراهیدی، ۳: ۳۷۰/۱۴۱۰) یا علم به احکام شریعت است و معنای مشهور آن در اصطلاح فقیهان عبارت است از: علم به احکام فرعی شرع اسلام از روی منابع و ادله تفصیلی (مطهری، بی تا: ۲۶/۲۰؛ مشکینی، بی تا ۱۷).

### ۳. روش

«روش» در فارسی معادل کلمه «اسلوب» در عربی است که به معنای شیوه، فن، طریق و راه های چگونگی انجام هر کار و فعالیتی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۴۷۳).

#### ۴. تربیت

"تربیت" در عربی به معنای تربیت کودک (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳/۲)، تربیت و پرورش هر چیزی که قابل رشد باشد (ابن منظور، همان: ۳۰۷/۱۴) و سوق دادن شیء به سوی کمال او بکار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶). در فارسی تربیت به «معنای پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن و ... است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/۵: ۶۶۰۱). در اصطلاح فقهی لفظ تربیت به معنای لغوی آن یعنی پرورش اطفال بکار می‌رود (انصاری شیرازی و همکاران، ۱۴۲۹: ۲۶۰/۳). به همین جهت فقهاء به زنی که تربیت طفل را بر عهده دارد مریبه می‌گویند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴۶/۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۲۲/۱). عده‌ای از حقوقدانان هم گفته‌اند:

تربیت طفل عبارت است از آموختن طفل بآداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و همچنین کوشش در فراگرفتن طفل علم یا صنعت یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی که بعداً بتواند بوسیله بدست آوردن عایدات کافی زندگانی خود را برافه بگذراند (امامی، بی تا: ۱۹۰/۵؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۳/۳۲۵).

#### مقصود از روش‌های تربیت چیست؟

اهداف مهم تربیت عبارت از پدیدار شدن تغییرات مطلوب در بینش و رفتارهای متربی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، دینی و ساحت‌های گوناگون دیگر است. با تربیت صحیح، انسان‌ها به رشد و کمال می‌رسند و به هدف غایی یعنی مقام قرب الهی نزدیک‌تر می‌شوند. پرسش مهم این است که این اهداف چگونه تحقق می‌یابند؟ پاسخی که می‌توان داد مبتنی بر این قاعده کلی است که موفقیت در هر کار و فعالیتی مستلزم استفاده از روش‌های مؤثر و کارآمد است. اهداف تربیت نیز با روش‌هایی که صحت و درستی آنها از لحاظ تجربی و فقهی به اثبات رسیده باشد، تحقق می‌یابند. بنابراین، منظور از روش‌های تربیت، شیوه‌ها، فنون و راهکاری رسیدن به مقاصد تربیت است.

## دسته بندی روشها

روشهای تربیت براساس ملاحظاتی تحت دو عنوان قابل دسته بندی اند: روشهای تجربی و روشهای فقهی. روش های تجربی با تجربه کشف می شوند، اما روشهای فقهی از منابع دینی بدست می آیند. تفاوت این دو دسته روش در این است که اولاً روشهای تجربی الزام آور نیستند و ثانياً، فقط ناظر بر رفتارهای فردی و اجتماعی افراد اند. روشهای فقهی با این که ممکن است از حیث عنوان همان روشهایی تجربی باشند، اما از لحاظ حکم شرعی در بعضی موارد الزامی اند و از این جهت ضمانت اجرائی دارند؛ زیرا مکلفان وظیفه دارند آنها را به عنوان تکلیف شرعی انجام دهند. افزون بر آن، در روشهای فقهی علاوه بر ابعاد دیگر به بعد دینی تربیت نیز اهمیت داده می شود و از این بابت دامنه‌ای شمول روشهای فقهی گسترده تر از روشهای تجربی است.

## بررسی نقش فقه در روش‌های تربیت

برای دانستن این مسأله که فقه چه نقشی در روشهای تربیت دارد؟ لازم است شماری از مهم ترین روشهای تربیت با رویکرد فقهی مورد بررسی قرار گیرند.

### ۱. روش الگویی

نخستین و مؤثرترین روش در تربیت، روش الگویی است. در این روش «با رفتار و بطور غیر مستقیم به تربیت می پردازند» (رفیعی، ۱۳۷۸: ۲۴۳). تأثیر پذیری از محیط اجتماعی بخصوص محیط خانه و خانواده و تقلید از دیگران بویژه تقلید از والدین و بزرگترهای خانواده دو مسأله‌ای مسلم و تردید ناپذیر است (اتوکلاین برگ، ۲/ ۴۹۴). روانشناسان می گویند: «راه آموزش تعهد و نظم به کودکان، تنها عمل به توصیه‌های مربیان، پرستاران یا پزشکان متخصص نیست. این امر باید از دل خانه بجوشد. والدین باید خودشان جدی، قوی و منظم باشند تا بتوانند سر مشق‌های مناسبی برای نوجوانان موفق و خویشتندار باشند. اگر والدین بی نظم باشند، دیگر به هیچ وجه نمی توانند برای کودکانشان الگوهای صحیح و منسجم باشند. در نتیجه نسل بعد از ابزارهای

پرورش خویشنداری بی بهره می ماند و ملاک‌هایی مثل بی بندوباری و کم‌طاقتی از والدین به کودک منتقل می‌شود و تا ابد از کودکان جدا نمی‌شود» (روت پیترز، ۱۳۸۶: ۴۷). شهید مطهری در مورد الگو بودن والدین می‌گوید:

پدر و مادر به عنوان قهرمانهای زندگی کودک، اعمال‌شان مورد تقلید کودک است. روح کودک مانند دستگاه فیلمبرداری حرکات پدر و مادر را منعکس میکند و با حرکات خود براساس تأثیر عمل در روح شکل می‌گیرد. در این مرحله کودک فقط رفتار والدین را تقلید میکند و رفتار خودش برایش تدریجاً عادت می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۹۸/۲).

با توجه به تقلید پذیری کودک استاد مطهری می‌افزاید:

با استفاده از همین حس تلقین پذیری کودک می‌توان کودک را به هرگونه‌ای که دوست داریم تربیت کنیم. مادر و همچنین پدر و سایر افرادی که با کودک سر و کار دارند باید بدانند که کودک به موجب حس تلقین پذیری خود، یک آئینه صاف و گیرایی است که هرچه در برابرش قرار دهند آن را گرفته، به خوبی انعکاس می‌دهد. پس باید در مقابل او حالات متعادل و رویه‌های نرم و مثبتی داشته باشید تا کودک عیناً همانها را در وجود خود پیاده کند (مطهری، همان).

### روش الگویی در منابع دینی

خداوند متعال در مورد الگو بودن رسول اکرم ﷺ فرموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود. اسوه به معنای پیروی کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۳۳/۷). معنای اسوه در مورد رسول خدا ﷺ عبارت است از پیروی او، ... و معنای آیه این است که یکی از احکام رسالت رسول خدا ﷺ و ایمان آوردن شما این است که به او در گفتار و رفتارش تأسی کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۲/۱۶).

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگو

طلبان، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، و محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹، ۱۸۶)؛

## روایات خاص روش الگویی

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایات ذیل فرموده است:

إِنَّ الْوَعْظَ الَّذِي لَا يَمْجُئُهُ سَمْعٌ وَلَا يَعْدِلُهُ نَفْعٌ مَا سَكَتَ عَنْهُ لِسَانُ الْقَوْلِ وَ نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْفِعْلِ (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۵)؛ موعظه‌ای که گوش آن را پس نمی‌زند و هیچ سودی با آن برابری نمی‌کند آن است که زبان گفتار در آن خاموش بماند و زبان کردار به سخن گفتن پردازد.

كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ؟ (آمدی، همان)؛ کسی که خود را اصلاح نکرده است چگونه می‌تواند دیگران را اصلاح کند؟

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۱۷)؛ آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد، و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید، و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۷/۲)؛

با اعمال تان مردم را به کارهای نیک دعوت کنید، نه با زبانهای تان.

روش الگویی سیره عملی معصومین علیهم السلام بوده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمْ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنُهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵). ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر اینکه قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری جستهم.

## بررسی سند و دلالت روایات

سند بعضی از روایات فوق معتبر است، اما برخی دیگر سند متقنی ندارد. مستند اصلی در این مسأله روایات صحیح السند است و روایات ضعیف نقش مؤید دارند. اما از نظر دلالت، این روایات به دلالت مطابقی یا التزامی یک قاعده کلی تربیتی ارائه می‌دهند که آمر به معروف و ناهی از منکر، واعظ و مربی با عمل به امر و نهی و ارشاد و تربیت دیگران پردازند.

روایات خاص وظیفه مندی والدین در تربیت عملی فرزندان

امام سجاده علیه السلام فرموده است:

وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ (صدوق، ۱۴۱۳: ۶۲۲/۳)؛ حق فرزندان بر تو این است که بدانی او از توست و در دنیای گذرا، به خیر و شرّ خود وابسته توست و تو در برابر سرپرستی او مسئولی که او را نیکو ادب نمایی، به سوی خدای عزّ و جلّ راهنمایی کنی، و در طاعت خدا به او کمک رسانی. پس در کارهای او بکوش، مانند کوشیدن کسی که می‌داند در نیکی به او پاداش می‌گیرد. و اگر با او بدرفتاری کند، عقاب می‌شود.

## بررسی سندی و دلالتی

در جای خود به اثبات رسیده که روایت امام سجاده علیه السلام معتبر و قابل استناد است. از نظر دلالت فرازهای « وَ الدَّلَالَةَ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ »، بر تکلیف والدین در تربیت اعتقادی و تربیت عبادی فرزندان دلالت دارند. لازمه‌ی این تکلیف آن است که پدر و مادر به تکالیف دینی التزام عملی داشته باشند، تا فرزندان از آنها الگو بگیرند. با توجه به دلالت التزامی روایت امام سجاده علیه السلام بر روش الگویی، اگر رفتارهای ناروا و نامشروع والدین موجب تربیت سوء فرزند شود آنها مسئول خواهند بود.

امام صادق علیه السلام فرموده است:



أَمِهْلُ صَبِيكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ

(کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۶)؛ فرزند خود را تا شش سال فرصت بده، آنگاه او را به مدت

هفت سال با خود همراه کن و به ادب خود ادبش کن.

### بررسی سندی و دلالی

یکی از روایان این روایت علی بن اسباط است که غیر امامی بوده، اما چون توثیق شده سند موثق و قابل استناد است. از نظر دلالت جمله‌ای "فَأَدَّبَهُ بِأَدَبِكَ" دقیقا بر الگو بودن والدین صراحت دارد.

### روش الگویی در مباحث فقهی

گفتار فقیهان در ابواب مختلف فقه بر روش الگویی دلالت روشن دارند. امام خمینی علیه السلام در مورد آمران به معروف و ناهیان از منکر فرموده است: «از عظیم‌ترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و شریفترین و دقیق‌ترین و شدیدترین آنها از نظر تأثیر مخصوصا اگر آمر و ناهی از علما و رؤسای مذهب باشد، آن است که از شخصی صادر شود که خودش لباس معروف اعم از واجب و مستحب را پوشیده باشد، و از منکر (و حرام) بلکه از مکروه دور باشد و به اخلاق انبیاء و اهل معنویت متخلق باشد و از اخلاق بی‌خردان و اهل دنیا منزّه باشد تا آنکه با کار و روش و اخلاقش آمر و ناهی باشد و مردم به او اقتداء نمایند و او را الگو قرار دهند (خمینی، بی‌تا: ۴۸۲/۱).

بعضی دیگر از فقهاء نیز گفته است: «منظور از مرحله فعلی، اقدام عملی نسبت به شخصی که «معروف» را ترک می‌کند، یا «منکر» را انجام می‌دهد نیست؛ بلکه «آمر به معروف» و «ناهی از منکر» نسبت به خودش اقدام عملی انجام دهد؛ یعنی جان و روح خویش را آراسته به معروف نماید، و از منکر پاک کند، و در نتیجه اسوه و الگوی عملی برای دیگران، مخصوصا تارکان معروف و آلودگان به منکر گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۴۲).

در باب حضانت فقهاء برای کسی که سرپرستی کودک را بر عهده می‌گیرد شرایطی بیان کرده اند از جمله این که حضانت کننده مسلمان باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۲۹۴؛ طوسی، ۱۳۸۷:

۶/۴۰)؛ چون کافر کودک را گمراه می‌کند (عاملی، ۱۴۱۳: ۸/۴۲۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۷/۵۵۱)؛ شرط دیگر "امین" بودن حضانت کننده است. شهید ثانی در مسالک گفته فاسقه نمی‌تواند حضانت فرزند را بر عهده بگیرد چون اطمینانی به او نیست (عاملی، ۱۴۱۳: ۸/۴۲۴). معنای شروط یاد شده این است که عمل و رفتار حضانت کننده بر کیفیت تربیت کودک تأثیر می‌گذارد و این همان الگوی عملی در تربیت است.

جمع بندی نهایی با توجه به ادله و اظهارات فقہیان این است که بی تردید عمل و کردار مربی خوب باشد یابد، به شکل الگویی در رفتار تربی بازتاب می‌یابد. بر این اساس عوامل انسانی تربیت بخصوص والدین وظیفه دارند مسئولیت های خود در امور فردی، اجتماعی، دینی و ... را بدرستی انجام دهند و با رفتار خود تربیت کننده باشند. اگر فرزندان خانواده به تقلید از والدین واجبات را ترک و محرمات را مرتکب شوند، پدر و مادر در گناه آنان شریک خواهند بود.

## ۲. آموزش و آگاهی بخشی

یکی از روش های مؤثر در تربیت، آموزش و بالابردن سطح آگاهی تربی است. علت اصلی بسیاری از ناهنجاریها جهالت و ناآگاهی است. خداوند در قرآن فرموده است: « قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » (زمر: ۹)؛ بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!

در آیات متعدد قرآن جهالت و نادانی به کوری و تاریکی و علم و دانایی به بینایی و نور تشبیه شده است: « قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ » (رعد: ۱۶)؛ بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟!»

راه حل اساسی ریشه کن کردن انحرافات و ردائل اخلاقی از جامعه، تعلیم و آگاهی بخشی به مردم بویژه نسل جوان است. خداوند متعال در قرآن فرموده است:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ  
وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (آل  
عمران: ۱۶۴)؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد، هنگامی که در میان آنها پیامبری از

خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند .

این آیه و آیات مشابه آن ترسیم کننده روش تربیتی پیامبران است بدین شکل که تلاوت آیات و تعلیم قرآن کریم مقدمه‌ای برای تربیت مردم و از بین رفتن ضلالت و گمراهی است .

روش تربیتی معصومین علیهم‌السلام نیز تعلیم و معرفت افزایی بوده است. امام علی علیه‌السلام به فرزندش امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید:

وَ أَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمْرِ وَ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ وَ أَنْ أُبْتَدِيَنَّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ (نهج البلاغه، ۳۳۸)؛ و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک داری و نهادی بی‌آک، و این که نخست تو را کتاب خدا بیاموزم، و تأویل آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و به دیگر چیز نپردازم .

### دیدگاه فقهاء

فقهاء با استفاده از منابع و حیانی آگاهی بخشی را بصورت یک قاعده فقهی مطرح کرده و اصطلاح "ارشاد جاهل" را برای آن انتزاع کرده اند. براساس این قاعده فقیهان ارشاد جاهل به احکام شرعی را واجب دانسته اند (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۹۹/۲؛ فاضل، بی تا: ۶۵/۲؛ بهجت، ۱۴۲۸: ۳۸/۱).

شماری از فقیهان ارشاد جاهل به موضوع را نیز در مسائل مهم مانند جان، آبرو، ناموس مؤمنان و نیز اموال قابل اعتنای آنان، واجب دانسته اند، (تبریزی، ۱۴۲۶: ۱/۳۶۰؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۳۵۸/۱). برخی از فقهاء، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را نیز از موارد استثنا شمرده‌اند که در صورت نجس بودن، اعلام آن را به جاهل واجب می‌دانند (جمعی از پژوهشگران، همان).

افزون بر آن، فقیهان آموزش و آگاهی دادن به فرزندان را در موارد مهم به عنوان تکلیف شرعی بر والدین واجب دانسته اند. مرحوم خوئی رحمته‌الله در صراط النجاه گفته سزاوار است که پدر واجبات و محرمات احکام شرعی و وظایف دینی را به فرزندان خود یاد دهد. مرحوم تبریزی

در ذیل این کلام می‌گوید بلکه بعید نیست اگر ترک تعلیم موجب ترک واجبات یا ارتکاب محرمات گردد این وظیفه و جوبی باشد (خویی، ۱۴۱۶: ۳/۲۶۴).

محقق نراقی می‌گوید: «و چون کودک به سنّ تمییز رسید، باید او را به طهارت و نماز واداشت، و در بعضی از روزهای ماه رمضان به روزه داشتن امر کرد و اصول عقاید و حدود و آداب شرع را به او یاد داد» (نراقی، بی تا: ۱/۲۴۴-۲۴۳).

نووی از فقهای شافعیه گفته است: «شافعی و اصحاب گفته اند بر پدران و مادران تعلیم مسائلی که بزودی بعد از بلوغ بر فرزندان واجب می‌شوند، واجب است. پس بر ولی واجب است که به کودک (ممیز) طهارت و نماز و امثال این افعال عبادی و نیز تحریم زنا و لواط و دزدی و شرب خمر و دروغ‌گویی و غیبت و کارهای ناروای دیگر از این قبیل را آموزش دهند و به آنها بیاموزند که بزودی بعد از بلوغ مکلف می‌شوند... گفته شده که این تکلیف پدر و مادر یعنی تعلیم کودک مستحب است ولی قول صحیح و جوب آن است» (نووی، بی تا: ۱/۲۶).

از مستندات فوق و گفتار فقیهان نتیجه می‌گیریم که آموزش دادن مسائل مهم مانند واجبات و محرمات بر والدین واجب و در سایر موارد مستحب است.

### ۳. امر و نهی

یکی از روشهای مؤثر در تربیت امر و نهی است و دلایل معتبری هم برای آن وجود دارد. در آیات متعدد قرآن فرموده است:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طه: ۱۳۲)؛ خانواده خود را به نماز فرمان

ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش!

يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ

ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان: ۱۷)؛ پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از

منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید

خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست صیانت کنید.

صیانت از اهل مستلزم امر و نهی خانواده بر انجام واجبات و ترک محرمات است.

پیامبر ﷺ فرموده است:

مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَصَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا (مجلسی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳: ۱۸۵/۱۳۲)؛ کودکان خود را زمانی که به هفت سالگی رسیدند به نماز خواندن امر کنید، و اگر در سن ۹ سالگی نماز را ترک کردند آنها را بزنید و در سن ۱۰ سالگی بستر خواب بچه‌ها را جدا کنید .

این روایت را اهل سنت نیز از پیامبر ﷺ نقل کرده (جصاص، ۱۴۱۵-۱۹۹۵: ۲۳۸/۱)، و نووی می‌گوید این قول رسول خدا ﷺ امر به صبی نیست، بلکه امر به ولی است، پس بر او واجب است که صبی را به نماز امر کند (نووی، بی تا: ۱۰/۳) .

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْعَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ فَيَطِيقُوهُ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا (کلینی، ۳: ۱۴۰۷/۴۰۹)؛ ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم به مقدار توان از روزه یک روز، هر چند تا نصف روز یا بیشتر و یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد افطار می‌کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند؛ و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند بگرفتن روزه وادارید هر چقدر از یک روز را که می‌تواند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر ایشان غلبه کرد روزه خود را افطار کنند.

### بررسی سند و دلالت روایات

از نظر سندی روایت اول مرسل و روایت امام باقر علیه السلام صحیحه است. اما دلالت روایات فوق با

توجه به لفظ "مروا" بر تکلیف شرعی والدین بر امر کردن فرزندان بر نماز و روزه روشن است .

## امر و نهی در گفتار فقیهان

فقیهان شیعه و سنی امر و نهی فرزندان را بر والدین واجب دانسته‌اند. سید یزدی در عروه گفته است:

بر ولی واجب است کودکان را از هر چیزی که برای آنها یا دیگران مضر است منع کند و نیز از هر فعل فساد آوری که از نظر شرعی اراده شارع بر تحقق نیافتن آنها در خارج معلوم است، مانند زنا و لواط و غیبت و بلکه غنا علی الظاهر و همچنین از خوردن و نوشیدن اعیان نجسه از هر چه که برای آنها زیان آور است (یزدی، ۱۴۰۹: ۷۴۲/۱).

محقق نراقی می‌گوید:

و چون کودک به سنّ تمییز رسید، باید او را به طهارت و نماز واداشت، و در بعضی از روزهای ماه رمضان به روزه داشتن امر کرد و اصول عقاید و حدود و آداب شرع را به او یاد داد. پس اگر کودک در خردی به این آداب مؤدّب و تربیت شود این اخلاق و ملکات بعد از بلوغ در او راسخ و ریشه دار خواهد شد و انسانی نیک و شایسته خواهد گشت؛ و اگر بر خلاف این نشو و نما کند، تا آنجا که با لهو و لعب و فحش و بی شرمی و شکم پرستی و خود آرایی و فخر فروشی انس و الفت گیرد و معتاد شود خبیث النفس می‌گردد و وبال پدر و مادر خواهد شد و بلکه سبب رسوائی و ننگ می‌شود. پس بر هر پدری لازم است که در تأدیب و تربیت فرزند مسامحه نکند، که این امانت خداست نزد او؛ و دل کودک جوهری است پاک و صاف و خالی از هر نقش و صورت و پذیرای هر نیک و بد، و این والدین هستند که او را به یکی از این دو راه می‌برند ... (نراقی، بی تا: ۲۴۴-۲۴۳).

نووی از فقیهان شافعیه گفته است:

بر ولی واجب است که کودک را به نماز امر کند ... مستحب است که کودک (پسر و دختر) در هفت سالگی که کودکان در این سن ممیز می‌شوند به نماز امر شوند و در ده سالگی برای ترک نماز زده شوند... این امر به نماز و زدن به خاطر ترک نماز بر ولی واجب است اعم از اینکه پدر باشد یا جد باشد یا وصی باشد... (نووی، بی تا: ۱۱/۳).

امام خمینی علیه السلام فرموده است:

بر ولی لازم است که فرزند خود را از هر چه که موجب فساد اخلاق او می‌شود و بطور ولی از هر آنچه که موجب فساد عقیده او می‌گردد صیانت نماید (خمینی، بی‌تا: ۱۴/۲).

با توجه به دلایل زیادی که بطور نمونه به برخی از آنها اشاره شد و نیز فتوای فقیهان، امر و نهی از منظر فقهی یکی از روشهای مهم تربیتی به شمار می‌رود و در بعضی مسائل به عنوان تکلیف شرعی بر والدین واجب است.

#### ۴. تمرین عملی و عادت دهی

مقصود از این روش آن است که مربی از مربی بخواهد تکالیف خود را بصورت مداوم و منظم انجام دهد و کارهایی را که نباید انجام شود ترک کند تا این رویه در او به عادت و ملکه‌ی رفتاری تبدیل شود. ابن سینا عادت را اینگونه معنا کرده: «تکرار زیاد یک عمل در زمان‌های نزدیک به هم که در دراز مدت ادامه می‌یابد» (عطاران، ۱۳۶۶: ۴۰).

در این باره که عادت خوب است یا بد؟ دیدگاه‌ها متفاوت است؛ اما بسیاری از اندیشمندان تمرین و عادت دهی را به عنوان یک روش تربیتی قبول دارند. «دورکیم» جامعه‌شناس فرانسوی گفته است:

تأثیر شدیدی که عادت بر رفتار کودکان می‌گذارد و نتایجی که می‌توان از طریق اعمال بزرگ‌ترها به دست آورد. عادات می‌توانند در قالب انضباط اخلاقی ریخته شوند، ولی معلم نیز باید خود را به عنوان نمونه‌ی اخلاق عرضه کند (علاقه‌بند، ۱۳۷۶: ۱۴۷).

استاد مطهری پس از بررسی دیدگاهها در باره عادت، می‌گوید طبق نظریه علمای قدیم، تربیت همان فن تشکیل عادت است (مطهری، بی‌تا: ۵۶)؛ و در نقد نظریه علمای غرب که عادت را مطلقاً بد می‌دانند گفته است: «به نظر ما این نظریه صد در صد درست نیست» (مطهری، همان: ۶۰).

مرحوم فلسفی می‌گوید: «عادات تربیتی و تمرینهای پی‌گیر پرورشی باندازه‌ای قوی و

نیرومند است که می‌تواند بر سرشتهای موروثی غلبه کند و وضع تازه‌ای را بوجود آورد (فلسفی، ۱۳۶۸: ۳/۱۳۷).

نکته‌ای قابل توجه این که عادت دهی شامل ترک عادات بد هم می‌شود. امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: «الْعَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۲)؛ عادت طبع دوم آدمی است. ممکن است این عادت خوب و یا بد باشد. به همین جهت امام علی علیه السلام در مواردی عادت را خیر می‌داند و بر آن توصیه می‌کند و در مواردی عادت را بد دانسته و بر ترک آن فرمان می‌دهد: «تَخَيْرَ لِنَفْسِكَ مِنْ كُلِّ خُلُقٍ أَحْسَنَهُ فَإِنَّ الْخَيْرَ عَادَةٌ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۴)؛ برای نفس خود از هر خصلتی بهترین آن را برگزین، پس بدرستی که خیر عادت است. منظور این است که بهترین خیر آن است که آدمی به آن عادت کرده و بر آن مداومت داشته باشد. در روایت دیگر فرموده: «غَيْرُوا الْعَادَاتِ تَسْهَلُ عَلَيْكُمُ الطَّاعَاتُ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۲)؛ عاداتها را تغییر دهید تا طاعتها بر شما آسان شود. همچنین فرموده است: «الْفَضِيلَةُ غَلَبَةُ الْعَادَةِ» (آمدی، همان)؛ غلبه بر عادت فضیلت است.

تردیدی نیست که امام علیه السلام غلبه بر عادت های بد را فضیلت دانسته است. بنابراین، ترک خصلت ها و عادت های بد نیز می‌تواند به یک عادت تبدیل شود .

در روایات متعدد که بعضی از آنها پیشتر نقل شد والدین مکلف شده اند فرزندان خردسال خود را به نماز و روزه امر کنند. بطور نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا (مجلسی، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳: ۱۵ / ۱۳۴)؛

کودکان خود را در هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید، و در سن ۹ سالگی به

خاطر ترک نماز آنها را بزنید و در ۱۰ سالگی بستر خواب بچه‌ها را جدا کنید .

واضح است که امر به نماز و روزه در مورد کودکان نابالغ از باب تمرین و عادت دهی است و گرنه آنها تکلیفی ندارند .

در صحیح‌ه حلبی از امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۰۹)؛ که متن و ترجمه آن در صفحات قبل گذشت، نیز از والدین خواسته شده کودکان خود را به نماز و روزه امر کنند. کلمه "يَتَعَوَّدُوا" در روایت مذکور بصراحت بر تمرین و عادت دادن کودک دلالت دارد .



### تمرین عملی و عادت دهی در گفتار فقیهان

دیدگاه بسیاری از فقیهان نیز این است که والدین قبل از رسیدن کودک به سن بلوغ آنها را بر انجام واجبات و ترک محرمات عادت دهند تا برای عمل به تکالیف در زمان بلوغ آمادگی داشته باشند. از باب نمونه محقق نراقی می‌گوید:

و چون کودک به سن تمییز رسید، باید او را به طهارت و نماز واداشت، و در بعضی از روزهای ماه رمضان به روزه داشتن امر کرد و اصول عقاید و حدود و آداب شرع را به او یاد داد. پس اگر کودک در خردی به این آداب مؤدب و تربیت شود این اخلاق و ملکات بعد از بلوغ در او راسخ و ریشه دار خواهد شد و انسانی نیک و شایسته خواهد گشت؛ و اگر بر خلاف این نشو و نما کند، تا آنجا که با لهُو و لعب و فحش و بی‌شرمی و شکم پرستی و خود آزایی و فخر فروشی انس و الفت گیرد و معتاد شود خبیث النفس می‌گردد و وبال پدر و مادر خواهد شد و بلکه سبب رسوائی و ننگ می‌شود. پس بر هر پدری لازم است که در تأدیب و تربیت فرزند مسامحه نکند، که این امانت خداست نزد او؛ و دل کودک جوهری است پاک و صاف و خالی از هر نقش و صورت و پذیرای هر نیک و بد، و این والدین هستند که او را به یکی از این دوراه می‌برند ... (نراقی، بی تا: ۱/ ۲۴۴-۲۴۳).

آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه گفته است:

وظیفه والدین است که فرزندان خود را بر اخلاق کریمه و آداب حسنه تأدیب و تربیت کنند و آنان را بر افعال پسندیده تمرین و عادت دهند و از هر عملی که به جان آنها یا دیگران ضرر می‌زند منع کنند. بر ولی اطفال لازم است که در جهت کمال نفسانی و سوق دادن کودکان به سوی آنچه که صلاح آنان است، تلاش نمایند (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲/ ۲۸۲).

با توجه به مجموع ادله و فتوای فقیهان تمرین و عادت دهی در انجام واجبات و ترک محرمات بر والدین واجب است. با این روش کودکان عادت خواهند کرد تا تکالیف خود را با آمادگی بهتر انجام دهند. منظور از اسلامی سازی تربیت چیزی غیر از این نیست.

## ۵. موعظه و نصیحت

موعظه عبارت از تذکر دادن نیکیهاست که توأم با رقت قلب باشد، در واقع هر گونه اندرزی که در مخاطب تاثیر بگذارد، او را از بدیها بترساند و یا قلب او را متوجه نیکیها گرداند، وعظ و موعظه نامیده می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۳۱۸).

موعظه و تذکر از روشهای مؤثر در تربیت و شیوه تربیتی پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأموریت یافت مردم را با موعظه حسنه در راه خدا دعوت کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما.

مقید ساختن "موعظه" به "حسنة" در آیه فوق شاید اشاره به این است که اندرز در صورتی مؤثر می افتد که خالی از هر گونه خشونت، برتری جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت او و مانند آن بوده باشد، چه بسیارند اندرزهایی که اثر معکوسی می گذارند به خاطر آنکه مثلا در حضور دیگران و توأم با تحقیر انجام گرفته، و یا از آن استشمام برتری جویی گوینده شده است، بنا براین موعظه هنگامی اثر عمیق خود را می بخشد که "حسنة" باشد و بصورت زیبایی پیاده شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۴۵۶).

وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

(لقمان: ۱۳)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش (در حالی که او را موعظه

می کرد) گفت: پسر! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک و ظلم بزرگی است .

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ؛

(لقمان: ۱۷)؛ پسر! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر

مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است .

مطابق این آیات لقمان فرزندش را موعظه می کرد و تعبیر "یا بُنَيَّ" گواه روشنی است که این موعظه بصورت مشفقانه صورت می گرفته است. هدف موعظه های لقمان هم تربیت فرزند بوده است، چون شرک نورزیدن، برپاداشتن نماز، امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین اهداف تربیت است .

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش فرمود:

فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيْ بُنَى وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيْ سَبَبِ أَوْثُقِ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ أَحَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمْتَهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قَوْمَهُ بِالْيَقِينِ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۳۶)؛ فرزندم تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا، و همیشه در فرمان او بودن، و دل را به یاد او آباد نمودن، و به ریسمان او (قرآن) چنگ زدن، و کدام وسیله و رشته‌ای از آنچه تو را با خدا پیوند دهد استوارتر باشد که به آن بیاویزی؟! فرزندم! دلت را به اندرز زنده دار، و به پارسائی بمیران، و به یقین نیروبخش. ...

براساس ادله‌ای که بیان شد، اثبات می‌گردد که موعظه از شیوه‌های تأثیرگذار در تربیت است. البته موعظه باید با هدف تربیت و از روی خیرخواهی و بدور از تحقیر و توهین انجام بگیرد.

## ۶. تشویق و تنبیه

تشویق "و" تنبیه" بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد، آدمی هم باید در برابر انجام کار نیک "تشویق" شود، و هم در برابر کار بد "کیفر" ببیند تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاردن در مسیر دوم پیدا کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۲۵). براساس آیات متعدد قرآن کریم تشویق و تنبیه از مهم‌ترین روش‌های تربیت و اصلاح انسان هاست. آیات زیادی را در این زمینه می‌توان مورد استناد قرار داد، اما به خاطر محدودیت به ذکر دو مورد بسنده می‌شود:

وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُوبَ بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۵)؛ به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه‌هایی که برای آنها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان

همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود .  
إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ  
بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران: ۲۱)؛ کسانی که نسبت به  
آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به  
عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده .  
در این دو آیه خداوند نیکوکاران را به خاطر اعمال صالح شان به پاداش های اخروی و  
کافران و بدکاران را در برابر اعمال ناروای آنان به کیفر دردناک بشارت داده است .

روایات زیادی هم در باره تشویق و تنبیه وارد شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:  
ثَلَاثَةٌ تَحِبُّ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ مُكَافَأَةٌ الْمُحْسِنِ بِالْإِحْسَانِ  
لِيَزْدَادُوا رَغْبَةً فِيهِ وَ تَعَمُّدُ ذُنُوبِ الْمَسِيءِ لِيَتُوبَ وَ يَرْجَعَ عَنْ غِيهِ وَ تَأْلُفُهُمْ  
جَمِيعاً بِالْإِحْسَانِ وَ الْإِنْصَافِ (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۱۹)؛ بر فرمانروایان فرض  
است که همواره سه وظیفه را در باره فرد و جامعه انجام دهند. یکی آنکه نیکوکاران  
را با پاداش نیک تشویق کنند و از این راه میل درستکاری را در آنان افزایش دهند.  
دیگر آنکه پرده بدکار را پاره نکنند و گناهش را مستور نگاهدارند تا از کرده خود  
پشیمان شود و از راه نادرست بازگردد. سوم آنکه با روشهای تفضل‌آمیز و منصفانه  
موجبات همبستگی و الفت جامعه را فراهم سازند.

ممکن است برخی تنبیه را به عنوان یک روش تربیتی نپذیرند، اما تنبیه کودک با هدف  
تربیت او به والدین اجازه داده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است :

مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا  
(مجلسی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳: ۱۹۸۳/۸۵)؛ کودکان خود را زمانی که به هفت سالگی رسیدند  
به نماز خواندن امر کنید، و اگر در سن ۹ سالگی نماز را ترک کردند آنها را بزنید .

از طریق اهل سنت نیز چنین روایتی نقل شده (جصاص، ۱۴۱۵-۱۹۹۵: ۲۳۸/۱) و نووی از  
فقهاء شافعیه استدلال به آن را صحیح دانسته است (...)) (نووی، بی تا: ۱۰/۳) .

فقهاء نیز تنبیه کودک را با هدف تربیت او جایز دانسته اند. (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۵/۱؛ حلی،  
۱۴۱۹: ۱۳۱۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۶۰). آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه گفته زدن کودکان برای تحقق اهداف

عالی و مهم نه تنها ظلم نیست، بلکه احسانی در حق آنهاست (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲/۲۸۲).  
تشویق و تنبیه شرایطی دارد از جمله این که باید به اندازه و بجا باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «  
الثَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ» (نهج البلاغه: ۴۷۷)؛ ستودن  
بیش از سزیدن چابپلوسی کردن و کمتر از آنچه باید در ماندگی است یا رشک بردن.  
متخصصان علوم تربیتی و روانشناسان نیز می‌گویند برای نتیجه بخش بودن تشویق و  
تهدید، باید به دقت عمل شود و گرنه ممکن است روشهای مذکور اثر بخشی مطلوب را نداشته  
باشند. بنابراین، مربی در کم و کیف بکارگیری این دو روش باید معیارهای شرعی و توصیه اهل  
خبره را ملاک قرار دهد.

## نتیجه

دست آوردهای این پژوهش به ترتیب ذیل خلاصه می‌گردد:

۱. هدف اصلی در تربیت ایجاد تغییرات مطلوب و به فعلیت رساندن استعدادهاى متربی در رفتارهای فردی، اجتماعی، دینی و ساحت‌های مختلف دیگر است. محقق شدن این اهداف مستلزم آن است که فرایند تربیت بصورت روشمند و هدفدار انجام بگیرد. مقصود از روشهای تربیت، شیوه‌ها، فنون و راهکاری مختلفی است که مفید بودن آنها از نظر تجربی و شرعی به اثبات رسیده باشد.
۲. روشهای تربیت را بر اساس ملاحظاتی می‌توان تحت عنوان روشهای تجربی و فقهی دسته بندی کرد. عمده ترین تفاوت این دو روش این است که روشهای تجربی معطوف بر رفتارهای فردی و اجتماعی افراد است؛ اما روشهای فقهی چون از منابع دینی استخراج می‌شوند، افزون بر رفتارهای فردی و اجتماعی موجب التزام و پایبندی متربی به احکام و وظایف دینی نیز می‌شود. علاوه برآن، روشهای فقهی در بعضی مصادیق آن چون الزامی اند، ضمانت اجرایی دارند، در صورتی که چنین ضمانتی در روشهای غیر فقهی وجود ندارد. بدین جهات می‌توان گفت مهم‌ترین نقش فقه اسلامی سازی تربیت است.
۳. مهم‌ترین و نخستین روش تربیتی روش الگویی است. در این روش مربی با رفتار خود

به شکل عملی به تربیت متربی می‌پردازد. این روش هم در علوم تربیتی و هم در منابع دینی و گفتار فقیهان یک روش تربیتی مؤثر و کارآمد است و اثر بخشی آن قابل انکار نیست. براین اساس اگر والدین با عمل و رفتار خود موجب تربیت سوء فرزندان شوند به خاطر ارائه الگوی بد تربیتی مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

۴. پس از روش الگویی، آموزش و معرفت افزایی از روش های تأثیر گذار در تربیت است. اهمیت این روش در این است که ظرفیت تربیت پذیری افراد را افزایش می‌دهد و نقش مؤثری در پدید آمدن تغییرات مطلوب در متربی دارد. این روش نیز دلایل معتبری از آیات و روایات دارد و فقیهان نیز بر آن تأکید ورزیده اند.

۵. یکی از روشهای مهم و مؤثر در تربیت امر و نهی است؛ اما امر و نهی مستلزم آموزش و معرفت بخشی است، بدین معنا که امر و نهی زمانی اثر بخش تر خواهد بود که مربی پیش از آن به عنوان مقدمه نسبت به آموزش و آگاهی دادن به متربی اقدام کرده باشد. امر و نهی به عنوان یک روش تربیتی مستند به آیات و روایات است و فقهاء امر و نهی بر انجام واجبات و ترک محرمات را از وظایف و جوبی والدین دانسته اند.

۶. تمرین و عادت دهی نیز از روشهای مؤثر در تربیت است؛ مقصود از این روش تکرار و مداومت در انجام وظایف یا ترک برخی از کارهای نارواست تا این رویه به یک عادت تبدیل شود. تمرین عملی و عادت دادن متربی هم در منابع دینی مستندات روشنی دارد و هم در گفتار اندیشمندان و گفتار فقیهان یک روش مؤثر تربیتی به شمار آمده است.

۷. از روشهای مهم و تأثیرگذار در تربیت تشویق و تنبیه است. تشویق انگیزه بخش است و تنبیه نقش بازدارندگی دارد. این دو روش هم در علوم تربیتی مطرح شده و هم در منابع دینی دلایل فراوانی برای آنها وجود دارد. اما تشویق و تنبیه باید سنجیده و بدور از افراط و تفریط باشد، تا کارایی لازم را داشته باشند.

۸. کارآمد بودن روشهای تربیت مبتنی بر رعایت یکسری شرائط اساسی است، مانند تکریم شخصیت متربی، حمایت مادی و معنوی از متربی، توجه به ظرفیت و توانایی متربی، رعایت اعتدال و تدریج، رعایت ترتب منطقی روش های تربیت.

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.  
آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.  
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.  
ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ ه ق.  
بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م.  
بهجت، محمد تقی، استفتاءات، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت، ۱۴۲۸ ه ق.  
تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، قم، مجمع الإمام المهدي ﷺ، ۱۴۲۶ ه ق.  
تبریزی، راضی بن محمد، تحلیل الکلام فی فقه الإسلام، تهران، امیر قلم، ۱۴۱۳ ه ق.  
جصاص، ابی بکر أحمد بن علی، أحكام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.  
جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.  
جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت ﷺ، ۱۴۲۶ ه ق.  
حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ ه ق.  
حلی، حسن بن یوسف، نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۱۹ ق.  
حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۱۳ ق.  
خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.  
خویی، ابو القاسم، صراط النجاة، قم، مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ ق.  
دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار

الشامیه، ۱۴۱۲ ه. ق.

رفیعی، بهروز، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، الهدی، ۱۳۷۸.

روت پیترز، هیچ وقت برای دیسیپلین زود نیست، ترجمه فرهاد صادقی، تهران، قطره، ۱۳۸۶.

ریشه‌ری، محمد، العلم والحکمة فی الكتاب والسنة، قم، دار الحدیث، بی تا.

سبحانی، جعفر، الرسائل الأربع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۵ ه. ق.

سبزواری، محمد باقر، کفایة الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳ ه. ق.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه. ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق  
طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش.

طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

\_\_\_\_\_، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة، سوم، ۱۳۸۷ ق.

عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ه. ق.

عطاران، محمد، آراء مریبان مسلمان درباره‌ی کودک، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۶۶..

علاقه بند، علی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان، ۱۳۷۶.

فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، انتشارات امیر قلم، یازدهم، بی تا.

فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ه. ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.

فلسفی، محمد تقی، الحدیث - روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

گلپایگانی، سید محمد رضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م.



- \_\_\_\_\_، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامیة، دوم، ۱۴۰۴ ق.  
مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی تا، بی جا.  
مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم، بی تا، ه ق.  
\_\_\_\_\_، یادداشتهای استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، دوم، ۱۳۸۵ ش .  
\_\_\_\_\_، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، بی تا.  
عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳  
\_\_\_\_\_، منیه المرید، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ - ۱۳۶۸ ش.  
گلپایگانی، سید محمد رضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.  
مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۵ ه ق.  
\_\_\_\_\_، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.  
نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم، ۱۴۰۴ ق.  
نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق محمد کلاتر، نجف، دارالنعمان للطباعة والنشر، بی تا.  
نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ه ق.  
نووی، محیی الدین، المجموع، دار الفکر، بی تا.  
یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۹ ه ق.

